

این فیلمنامه را روی میز بگذارد. این فیلمنامه قابل قبول است اما مشکل بعدی این است که باید با این بودجه که حالا بودجه کمی هم نیست، طبیعت اقتضای این گونه پروژه‌ها را رعایت کند. بعد باید این را خرج سریال کند. نمی‌توانی بگویی این را گرفتم ولی دیگر به درد نمی‌خورد. این کار را سخت می‌کند و دائم تحت فشار است.

مانسخره‌های زیادی از موسی کلیم... داریم؛ چگونه می‌توان «موسایی» ساخت که باورپذیر باشد و مخاطب را جذب کند؟... ما می‌توانیم فیلمی در هر ژانری بسازیم که هم باورپذیر و درست باشد و هم سینما به درستی اجرا شود اما ممکن است مخاطب آن را نپسندد اما ایشان کاری کرده‌اند که مخاطب آن رامی‌پسندد. بهترین بازی بهنام تشکر در اینجا گرفته شده است. یکی از نکات مثبت کارگردانی در فیلم موسی کلیم... بحث بازیگری است. آقای آیش خیلی زحمت کشیده‌اند اما هیچ وقت فراموش نکنیم که پیچ تنظیم احساس بازیگری می‌تواند با کمک کارگردان کم و زیاد شود. در بخش بازیگردانی، انرژی بالایی گذاشته‌اند که در فیلم‌های دیگر این حجم از بازیگران را نداریم و کنترل آنها نیز سخت است. جلوه‌های ویژه‌ای که خلق می‌شود، توقعات را بالا می‌برد. الان مردم صبح تا شب پلتفرم‌های مختلف

رامی‌بینند و آمازون و نتفلیکس و فیلم‌های روز را تماشا می‌کنند. شاید جالب باشد که بگویم اگر شما فیلم «ماتریکس» را ببینید، جلوه‌های ویژه‌اش با کیفیت آمده است. مخاطبان متوجه می‌شوند که این فیلم قابل مقایسه با دو فیلم اول نیست اما اگر بخواهید فیلمی مانند موسی کلیم... بسازید که با در نظر گرفتن بودجه، بیشترین بازده را بگیرید، واقعا کار موفقی است و باید به آن نمره ۵+ داد. این فیلم یک قضیه حماسی با شکوه تاریخی را روایت می‌کند. حتما در سریال هم یک جاهایی حالت حماسی خواهد بود که در بستر تاریخی روایت می‌شود و در یک جاهایی هم حالت تراژیک خواهد داشت. تمام اینها را باید بتوانید به خوبی به مخاطب منتقل کنید. این برای من بسیار ارزشمند است که بگویید آن قصه‌ای که همیشه شنیده‌اید، بیابید من دوباره برای تان می‌گویم و شما دوباره بنشینید و بشنوید. همین یک جمله ساده که دوباره قصه بگویید، موفقیت بزرگی است و این زحمت باید دیده شود. در مورد فیلمبرداری و جلوه‌های ویژه، نورها باید با هم سازگار باشند. مردم فیلم‌های خارجی و ایرانی جدید و قدیم را دیده‌اند و معیارهای سینمایی در ذهن‌شان تثبیت شده است. این زحمات باید دیده شود. حالا چرا دیده نمی‌شود، نمی‌دانم، ما می‌فهمیم که برای این فیلم زحمت زیادی کشیده شده است. من در نقد دو جمله گفتم که دوست دارم بگویم. چون خودم موافقم که موسی کلیم... عصایش را از هالیوود پس خواهد گرفت. اگر دوبله خوب و استاندارد به زبان انگلیسی انجام شود، حتما این فیلم ظرفیت جذب مخاطبان خارجی را دارد. در این صورت، حتما اتفاق خوبی خواهد افتاد.

من دوباره تکرار می‌کنم که بی‌صبرانه منتظرم که این بار شکافتن دریا را با تکنولوژی جدید با کمک آقای حاتمی‌کیا ببینم تا بگویم قبلی‌ها باید فراموش شود. امیدوارم این اتفاق بیفتد.

افول حرکت می‌کند. این است که در کنار ارتقای سرگرمی، اندیشه را فراموش می‌کند. من خودم طرفدار سینمای سرگرم‌کننده هستم اما نمی‌توان به سینمای سرگرمی صرف پیردازیم، هیچ چیزی به دست نمی‌آوریم و خیلی چیزها را از دست می‌دهیم. فیلم موسی کلیم... در عین سرگرم‌کننده بودن و جذابیت‌های دراماتیک، می‌تواند اندیشه‌ورز هم باشد؛ یعنی در لایه به لایه‌اش در حال حمله به میلپتاریسم جهانی است. مرزبندی تفکر ایدئولوژیک در این فیلم کاملا مشخص است. «ده فرمان» یکی از فیلم‌های مهم درباره تاریخ سینماست و کشورهای دیگر هم به سمت تولید این شکل فیلم‌ها رفتند اما همواره به سمت گیشه‌گرایی داشتند که تمایز موسی کلیم... با دیگر فیلم‌ها در اینجا مشخص است.

فرعون موسی کلیم... کاملا متمایز با ده فرمان است و باتوجه‌های مردم هم در قالب فیلم و هم سریال ارتباط برقرار خواهد کرد. آنچه در جلوه‌های ویژه به خصوص در صنعت و سرگرمی در موسی کلیم... وجود دارد، چیزی دست‌کم از هالیوود ندارد. البته خودم واقفم در سیر روایت در بخش‌هایی ممکن است به رکود و سکون برسیم اما آقای حاتمی‌کیا، استاد خلق احساسات در قالب ژانر ملودرام است.

زهرایی؛ در مورد فیلم بچه مردم، نباید فراموش کنیم که این به هیچ وجه از لحاظ علم سینما غلط نیست و یک فیلم کمدی فانتزی مدرن است که در جاهای زیادی طعنه به پست‌مدرن می‌زند و هیچ‌گونه غلطی در دستور زبان سینما وجود ندارد.

فیلم در قسمت اول روایت فانتزی و کمدی دارد و وقتی وارد فضای جبهه و جدی می‌شود، حالت کلاسیک پیدا می‌کند و این اختلاط ژانر از عناصر سینمای پست‌مدرن است که کارگردان در فیلم آن را بومی کرده است. ما نمی‌توانیم اگر هنر سینما را بخواهیم در جامعه نگاه کنیم، فیلمی که در سبک کلاسیک و روایتی کلاسیک مثل موسی کلیم... است را با فیلم بچه مردم نباید مقایسه کنیم. این

دو فیلم در روایت و قصه‌گویی کاملا متفاوت هستند. معتقدم اساسا در هر جشنواره‌ای، فیلمنامه‌ای که توانایی نشان دادن چند لایه را داشته باشد، اهمیت زیادی دارد. در زمینه کارگردانی، فیلم موسی کلیم... فرماندهی یاسا زماندهی یک فیلم با کارگردان

است. از لحاظ سختی، کار کارگردان‌های بچه مردم و موسی کلیم... سخت‌ترین کار است که معتقدم کار آقای حاتمی‌کیا سخت‌تر بوده است. این یک مشکل بزرگ است که فقط



سینما را می‌شکافد

ری فیلم‌های جشنواره فجر ۴۳ را بررسی کردند

فیلم نه تنها در مورد موسی کلیم...، بلکه در مورد سایر آثار نیز صدق می‌کند و از نظر منتقدان وقتی در جشنواره‌ای داوران قصد داشته باشند که همه را راضی نگه دارند؛ نتیجه‌اش نارضایتی همگان از جشنواره است. از این رو به کمک کارشناسان سینما و منتقدان محمدتقی فهیم و بهزاد زهرایی می‌زگردی داشتیم که روند کلی هیأت انتخاب و داوری جشنواره فیلم فجر و علت دیده‌نشدن بعضی فیلم‌ها را که شایسته دریافت جایزه بودند، واکاوی کند. که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

پدیده بازنمایی مهم جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین روز واقعه مال روز خودش بود. آقای حاتمی‌کیا از این نظر هنرمند ملی محسوب می‌شود که معتقد است اگر قرار است اثری را تولید کند باید صفر تا صد آن را بچه‌های ایرانی انجام دهند. ما فیلمسازانی در کشور با بودجه کم داشتیم که وقتی بودجه دریافت کرد، از آن طرف دنیا پنج نفر هالیوودی آورد و فیلم تاریخی را خراب کرد.

زهرایی؛ موسی کلیم... به مسائل روز اشاره می‌کند و حتما واجد شرایط کیفیت سینمایی است و بازی قابل توجهی از بهنام تشکر می‌بینیم و بازی فرهاد آتیش در دو قطب خیر و شر بسیار قابل توجه است. ما حتی اگر بخواهیم براساس سیاست‌ها و مصالح پیش برویم باز هم موسی کلیم... به اندازه کافی دیده نشده است.

در تعدادی رشته نامزد شده که بهتر از آنها وجود نداشته است. وقتی به فهرست جوایز نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم حداقل امکان دیدگاه متفاوت تری وجود داشت. یکی از نقاط قوت اصلی «موسی کلیم...» فیلمنامه‌اش است. واقعا کار سختی است که داستانی را که همه می‌دانند، به گونه‌ای جدید و جذاب تعریف کنی تا مخاطب دوباره جذب شود. آقای حاتمی‌کیا با سکانس بندی و قرار دادن خرده روایت‌ها به خوبی این کار را انجام داده‌اند و این نشان‌دهنده توانایی بالای ایشان است. بنابراین، نامزدی ایشان کاملا بجا بوده است اما در مورد کارگردانی نکته مهمی در «شمال از جنوب غربی» نمی‌بینیم.

[۱] آقای فهیم فکر می‌کنید فیلم «موسی کلیم...» در چند رشته شایسته دریافت سیمرغ بود؟

فهیم؛ موسی کلیم... بی‌تردید و بی‌شک باید در ۱۰ رشته سیمرغ نامزد شود. هیچ شکی نیست که فیلم‌های دیگر در برابر موسی کلیم... قابل مقایسه نیستند. اگر قرار است به سمت یک فیلم سینمایی برویم که استاندارد، لحن جهانی و ویژگی‌های مردم‌پسند دارد و با یک داستان بسیار ملموس برای مردم ساخته شده، باید جرأت داشته باشیم که به آن جایزه دهیم. همه حاتمی‌کیا را در مدیریت کارهایش می‌شناسند و تسلط او بر حوزه مدیریت مجموعه‌ها را می‌دانند. کارگردانی اصلی‌ترین ستون یک فیلم است. آیا شما در فیلم موسی کلیم... این را نمی‌بینید؟... آیا می‌شود فیلمبرداری را ندید؟... آیا می‌شود قاب بندی‌ها را ندید؟... تدوین فیلم به طور کامل سرباست و فیلم را از یک سطح

به سطوح بالاتری ارتقا داده است. شمانمی‌توانید بازی مریلا زارعی را با بازیگران دیگری که سیمرغ گرفته‌اند، مقایسه کنید. بیابید چند نفر از کسانی که واقعا سبک‌های بازیگری را می‌شناسند، دعوت کنید و بازی مریلا زارعی را با بازی خانمی که سیمرغ گرفته، مقایسه کنید؛ درواقع، این میزان کار کردن با چشم، ابرو، صورت، زبان و دهان در بازی مریلا زارعی در هیچ بازیگری در این جشنواره وجود نداشت. اینجا تمام توانایی یک بازیگر باید بر چشمش باشد. چشم کار می‌کند. مریلا زارعی در این فیلم با چشمانش کار می‌کند و فضا می‌سازد. من فکر می‌کنم در این چند سال گذشته، زن کنشمند در چارچوب فیلم‌های تاریخی مذهبی وجود نداشته است؛ نه در فیلم‌های اجتماعی یا دفاع مقدس. ما بازیگر زن نداشتیم که بتواند شخصیت را درک کند. جدا از آموزه‌هایی که آقای حاتمی‌کیا داده یا راهنمایی کرده، مریلا زارعی پیش از همه تحلیل شخصیت کرده، کدهای لازم را از شخصیت استخراج کرده و به آن چیزی که به ما ارائه می‌دهد، رسیده است. بدون تحلیل شخصیت، بی‌تردید موفق نمی‌شد. از سویی هم واقعا مقایسه فیلم «بچه مردم» با موسی کلیم... شوخی است. این دو فیلم اصلا قابل مقایسه نیست. بچه مردم اشکال ساختاری دارد. یک جافانتری می‌شود، یک جا جدی می‌شود و یک جا از موضوع خارج می‌شود. این فیلم (بچه مردم) یکدست و قابل تأمل نیست. یکی از جوجهی که در سینمای ما به سمت

